

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

شعری هست یادم نیست از چه کسی است ولی از یکی از بزرگانی است که شاعری نبوده که شعر چرند بگوید و به قول مشهور:

چون قافیه تنگ آید شاعر به جفنگ آید

از آن شاعرها نبوده. می‌گوید:

بیگانگی نگر (البته بیگانگی می‌گوید که بیگانگی هم جزئش می‌شود)

بیگانگی نگر که من و یار چون دو چشم

همسایه‌ایم و خانه‌ی هم را ندیده‌ایم

خیلی تشبیه جالبی است. البته این تشبیه که الان من گفتم، به مناسبتی است. به مناسبت تفاوت به قولی اهل طریقت با اهل شریعت است که اهل طریقت هم آنهایی که یک خرده هنوز رنگ و مایه‌ی ضدّ طریقت در آنها هست، آنها با اهل شریعت دشمنی دارند. اهل شریعت هم غالباً دیدیم رفتارشان یک طوری است که این را تقویت می‌کند و حال آنکه هر دو، هم طریقت و هم شریعت دنبال حقیقت هستند یعنی خودشان اینطور می‌گویند که ما دنبال حقیقت هستیم.

حقیقت هم یک مسأله‌ی به اصطلاح روشنی نیست، درجات دارد.

اهل طریقت مجموعه‌ی کسانی هستند که می‌خواهند طریقت را از دل احساس کنند. اهل شریعت البته گاهی به معنا هم توجه دارند ولی غالباً مثلاً می‌گویند: من دعای کمیل را حفظ دارم. این مزیتی است منتها برای آنها مزیتی است که از آن بالاتر نیست. به همین طریق اهل طریقت و اهل شریعت، هیچکدام به هم طعن نزنند. طعن زدن هم بیشتر در درجات پایین است. در جریان پایین، در این مراحل و نردبان‌های فکری هر چه پایین‌تر است، تشتّت بیشتر است. به همین دلیل هم پیروان شریعت خیلی بیشتر از پیروان طریقت هستند.

طریقت هم به هیچ‌وجه منکر شریعت نیست. طریقت، شریعت را هم به عنوان پایه‌ی اصلی زندگی‌اش قبول دارد و درجات معنوی بالاتر از خودش هم می‌شناسد، می‌داند که هست ولی اهل شریعت در این تصوّر واهی هستند که این درجه‌ای که دارند، بالاترین

درجات است، دیگر بالاتر از آن نیست و حال آنکه اهل طریقت هم تا حدی این حرف را می‌زنند البته ممکن است ظاهراً چیز دیگری بگویند ولی آن عمق تعلیمات شان این است که شریعت هست، لازم هم است ولی در درجه‌ی پایین تر است یعنی وقتی اهل شریعت می‌بینند که اهل طریقت نماز می‌خوانند شاید بعضی از اهل شریعت آنقدر در تعصب خودشان مستحکم هستند که نماز اینها را قبول ندارند ولی ما یعنی اهل طریقت همه‌ی اینها را می‌پذیریم. به همین دلیل این دستور ملایمت و مهربانی که برای اهل طریقت گفته می‌شود و باید انجام بدهند و غیر از خودشان را هم قبول دارند، این حالت در اهل شریعت نیست.

اما خیلی‌ها چه در شریعت و چه در طریقت، غیر از اینها هستند یعنی به دیگران لطمه می‌زنند، این در صورتی است که آن خصلت اولیه‌ی بشری خود را در راه طریقت فدا نکرده باشند. وقتی در راه طریقت غسلی می‌کنند و جدا می‌شوند از خیلی افکاری که قبلاً داشتند، این را هم باید جدا کنند. اما یک خصلت انسانی که در همه‌ی انسان‌ها هست و کمتر دیده شده که بر این پیروز بشوند، آن خودبینی است یعنی خودش را می‌بینند. آن هم نه همه‌ی محاسن، فقط محاسن خودش را می‌بیند و می‌بیند که بالاتر از دیگران است. در این صورت تحریک می‌شود به آنهایی که پایین تر هستند تحقیرآمیز حرف می‌زند ولی سالک واقعی در طریقت، اگر جنبه‌ی ترحم هم داشته باشند، به آنها به جنبه‌ی مریضی که بهتر شده و می‌خواهد پیاده روی را یاد بگیرد، نگاه می‌کنند و کمک می‌کنند. این است که ما باید نسبت به همه‌ی اهل سلوک یعنی اهل طریقت توجه و محبتی داشته باشیم که مربی و معلم نسبت به شاگرد دارد، نه اینکه خودمان را معلم آنها بدانیم، نه! معلم هم درجاتی دارد که فقط کسی که می‌شناسد باید اجازه‌ی این را بدهد. به این جهت دریند صالح هم در آن آخر، راجع به علماء بحثی شده و همین توضیح را داده‌اند.

حالا ان شاء الله ما هم به اهل شریعت نزدیک باشیم و اهل شریعت هم بفهمند که باید با همه‌ی مردم، همه‌ی مخلوق خداوند، هم‌زیستی داشته باشند، ان شاء الله. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح شنبه، تاریخ ۱۳۹۴/۱۲/۲۲، جلسه خواهران ایمانی)

هر روز صبح در حیاط یک خرده می‌نشینم. امروز صبح نگاه می‌کردم درختانی که تا دیروز چوب خشک بودند، سبز رنگ شدند. خود دیدن این سبزه به انسان نشاط می‌دهد. همیشه چون دلمان می‌خواهد که وقتی دیدن کسی می‌رویم، او را شاد ببینیم و دلمان هم می‌خواهد که او هم ما را شاد ببیند. پس چه بهتر از این عید نوروز که اصلاً خدا شادی را آفریده. حالا برای اینکه یادمان هم بماند همیشه یک رسمی هم درست کرده‌ایم «عیدی» و

بسیار خوب است. ما حالا مطابق آن رسم عیدی می‌دهیم برای اینکه همیشه یاد من بکنید، همانطوری که من همیشه یاد شماها هستم، یاد همه هستم، همه هم ان شاء الله یاد من بکنید. هر وقت به این عیدی نگاه کنید یادتان بیاید که یک بنده‌ی خدایی... حالا هنوز که هستم ان شاء الله، سال‌های زیادی هستم.

به هر جهت خیلی متشکرم، معذرت هم می‌خواهم از اینکه حسابم خوب نیست، هندسه‌ام خوب نیست و در نتیجه یک خرده تفاوت است ولی تفاوت نیست، همه یک طوریم، البته این مثل را به کرباس می‌گویند ولی همه سر و ته یک حریریم، نمی‌گویم کرباس ولی کرباس هم بگوییم، ما اصلاً کرباسی هستیم. صوفی‌ها را می‌گویند کرباس می‌پوشند دیگر یعنی ما هر چه بگیریم در نظر ما کرباس است، در حریر. به هر جهت خیلی متشکرم از همه‌ی دوستان و از همه‌ی اخوان. ان شاء الله سال جدید که می‌آید اگر خدای نکرده از من کدورتی دارید، از من ناروایی دارید بیاید به خودم بگویید چیزهایی که نمی‌دانم. اگر می‌دانم که خودم می‌دانم و همین کار را همه‌ی فقرا با هم انجام بدهند یعنی از همه حلال بودی، حلال طلبی واقعی انجام بدهند، نه فقط تشریفاتی و لغتی که ان شاء الله در اول این سال، در این سال هر چه از این قبیل هست، توی خاک کنیم. هر چه ناراحتی و گله‌مندی از هم داریم، توی خاک کنیم. یک عمر همه‌تان، همه‌مان که شاید من خودم هم از عمری‌ها باشم، یک عمر زحمت کشیدیم ان شاء الله خداوند اجر بدهد، نکند با یک قطره که دریایی را خراب می‌کند، این دریای ارادت و خدمت خودمان هم خراب بشود. ان شاء الله این را توفیق داشته باشیم.

چون امید می‌رود که ان شاء الله با طلیعه‌ی کار، یک خرده آن نگرانی و گرفتاری‌هایی که داشتیم و ایجاد می‌شد، آنها مرتفع بشود و ان شاء الله روشنی دیده، روشنی صبح دیده بشود. باش تا صبح دولتش بدمد. ان شاء الله.

ان شاء الله صبح دولتمان بدمد در این چند وقت و این سال را ان شاء الله به خوشی بگذرانیم و از این سال‌های گذشته و به خصوص همین سال اخیر که همه‌اش در فشار و رنج و تعب بودیم، برای آینده‌ی خودمان فقط عبرت بگیریم. امیدوارم و من هم همینطور که همه از هم التماس دعا داریم، من هم از همه التماس دعا دارم که ان شاء الله بتوانم رضایت خاطر اخوان و راهنمایی صحیح‌شان را توفیق داشته باشم. ان شاء الله این توفیق را خواهم داشت برای اینکه خداوندی که یک نفر را مأمور یک کاری می‌کند، کارش را هم فراهم می‌کند. نمی‌شود یک مأموری یک کاری بکند و جلوی کارش را بگیرد نه! امیدوارم که از این حیث از این موقعیت راضی باشید و از من راضی باشید و از خدا بخواهید که

خدای نکرده من خطایی نکنم. الحمدلله همه در این مدّت محبّت کرده‌اند، محبّت داشته‌اند.

ان شاءالله همیشه سلامت باشید، هم در عید و هم بعد از عید و هم تمام اوقات.

(برگرفته از گفتارهای عرفانی، عصر سه‌شنبه، تاریخ ۱۳۹۴/۱۲/۲۵، جلسه برادران ایمانی)

در چهارشنبه سوری نیتتان و نیتتان قرآن باشد، ما به استناد یک آیه‌ی قرآن که می‌فرماید: **وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا** (سوره مریم، آیه ۷۱) همه‌تان وارد آتش جهنّم می‌شوید. حتی از پیغمبر پرسیدند که تو هم وارد می‌شوی؟ پیغمبر فرمود: بله، من هم وارد می‌شوم منتها من از آن می‌پریم یعنی از آتش رد می‌شوم، می‌پریم. ما هم به خاطر اینکه آن روزی که ما را هم حساب می‌کشند، آن روزی که از آتش رد می‌شویم، از آتش ردمان کنند. ما صدا می‌زنیم **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ**. خدایا! ما هم پیرو محمد هستیم، همانطور که محمد را رد می‌کنی، ما را هم از آتش رد کن.

این است که این جزء آیه‌ی قرآن است. منتها رسم بوده که قبل از اسلام هم در ایران اگر امری را خلاف شرع می‌دیدند، حذف می‌کردند. حذف نکردند تا حالا مانده. البته آتش سوزی خطرهایی دارد ولی هر کاری خطر دارد، مگر کشتیرانی خطر ندارد؟ مگر اسب سواری که مجاز است و مسابقه می‌گذارند، شرعاً هم خوب است خطر ندارد؟ تیراندازی خطر ندارد؟ همه‌ی اینها خطر هم دارند ولی در چیزی که خداوند داده با همه‌ی اینهاست یعنی بشر هم باید مواظبت کند، با یاد خدا به خطر نیفتد، ان شاءالله. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، شب چهارشنبه، تاریخ ۱۳۹۴/۱۲/۲۵)

بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجنوب علیشاه) شامل: جزوات گفتارهای عرفانی / شرح رساله شریفه پند صلح / شرح فریاشات حضرت سجاد علیه السلام (شرح رساله حقوق) / شرح فریاشات حضرت صادق علیه السلام (تفسیر مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه) / جزوات موضوعی (درباره‌ی استخاره، خانواده، حقوق مالی و عشریه، دعا، خواب و رویا، بیماری و شفا، روح، شیطان، آداب حضور در مجلس تقری، امر به معروف و نهی از منکر) / جزوات رفع شبهات با کزیده‌هایی از بیانات / جزوات پرسش و پاسخ با کزیده‌هایی از بیانات / مکاتیب عرفانی (مجموعه‌ی پاسخ به نامه‌ها) / مجموعه دستورالعمل‌ها و بیانیه‌ها / شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم / گفت و گوهای عرفانی (مجموعه‌ی مصاحبه‌ها) منتشر شده است.

جهت سفارش و دریافت جزوات از طریق شماره تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ و یا سایت WWW.JOZVEH121.COM اقدام فرمایید. همچنین برای دریافت کزیده‌هایی از بیانات می‌توانید به کانال @jozveh121 در برنامه‌ی تلگرام پیوندید.